



آلودگی دریای خزر: لزوم احترام به قواعد بین‌المللی محیط زیست و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

محمدرضا عباسی‌ترکمانی^۱

دریای خزر نیز همانند سایر آبراهها و دریا‌های جهان با مشکل روبه‌نژایدی در زمینه آلودگی محیط زیست روبروست. ادامه این آلودگی، خسارات جبران‌ناپذیری از لحاظ منابع آبریزان و آلودگی مناطق ساحلی کشورها دربر خواهد داشت. در غیاب یک نظام حقوقی معقول، حدود مسئولیت کشورهای ساحلی در حفظ محیط زیست این دریا مشخص نیست و نیازهای اقتصادی و توجه صرف به درآمدهای ملی برخی کشورهای ساحلی موجب شده است که حفاظت از محیط زیست این دریا از نظر دور بماند و بعضی از آنها تنها به بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع و در حداقل زمان ممکن بیاورند که این امر آثار زیانبار جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. آثار ناشی از توسعه منابع هیدروکربن این دریا و احداث خطوط لوله علاوه بر تهدید آبریزان دریای خزر و به‌ویژه خاویار، بر محیط زیست کناره کشورهای ساحلی این دریا نیز تأثیر خواهد گذاشت.

مقدمه

۱. اهمیت موضوع محیط‌زیست در عصر کنونی

در سالهای اخیر دنیا شاهد رشد و توسعه سریع حقوق بین‌الملل محیط زیست بوده است. از بین موضوعاتی که در حال حاضر در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد قرار دارد، چند موضوع با مسایل زیست محیطی ارتباط می‌یابند.^۲ از سوی دیگر

۱. آقای محمدرضا عباسی‌ترکمانی کارشناس امور سیاسی اداره کل اکواست.

۲. این موضوعات عبارت‌اند: مسئولیت دولت‌ها، مسئولیت بین‌المللی در قبال آثار اعمالی که حقوق بین‌الملل آنها را منع کرده است، قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری، حقوق استفاده غیرکشتریانی از آبهای



تقریباً تمام کشورها، صرف‌نظر از نظام حکومتی و درجه توسعه اقتصادی، تمایل و آمادگی زیادی در جهت تدوین و تصویب مقررات زیست‌محیطی از خود نشان داده‌اند. سالی نیست که قراردادی با ابعاد زیرمنطقه‌ای، منطبقه‌ای و جهانی در خصوص محیط زیست به امضا نرسد. تاکنون شمار قابل توجهی بیانیه، قطعنامه و سند حقوقی در کنفرانسها و سازمانهای بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد، در زمینه محیط زیست به تصویب رسیده که سیاق کلی آنها دعوت به همکاری بین‌المللی به منظور حفظ میراث مشترک بشریت، یعنی محیط‌زیست است.

امروزه قواعد بین‌المللی محیط زیست به مثابه قواعد آمره بین‌المللی بوده و نقض این قواعد همانند نقض قواعد حقوق بشر، نقض قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌شود و مسئولیت بین‌المللی دولتها را به دنبال خواهد داشت.

۲. تبیین موضوع

عوامل زیست‌محیطی دریای خزر که بزرگترین دریاچه جهان است، از لحاظ تأثیرگذاری بر شرایط آب و هوایی مناطق همجوار خود و به‌طور کلی چرخه زیست‌محیطی جهان، از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر منابع آبیان این دریا و تأثیری که به‌طور مستقیم این پهنه آبی برای ساکنان مجاور آن دارد، جنبه حیاتی داشته و هرگونه اختلال در توازن زیست‌محیطی این دریا آثار و تبعات گسترده‌ای در سطح منطقه، از لحاظ شرایط زیست‌محیطی ساکنان حاشیه آن و در سطح جهان، به لحاظ تغییرات ناهنجار آب و هوایی خواهد داشت.

به‌عنوان یک هشدار باید فاجعه زیست‌محیطی دریاچه آرال - هرچند از لحاظ عظمت و بهره‌وری قابل قیاس با دریای خزر نیست - همواره در طرحهایی که به منظور باز شدن خزر به دنیای خارج مورد توجه قرار می‌گیرد مدنظر باشد. باید گفت که این دریا از لحاظ زیست‌محیطی با تهدیداتی از جمله نوسان سطح آب و به‌ویژه بالا آمدن سطح آب طی دو دهه اخیر و آلودگی‌های صنعتی و نفتی مواجه بوده است.

آلودگی دریای خزر، که بخشی از آن از طریق ورود فاضلاب و پسماندهای صنعتی و بخش اعظم دیگر از طریق حفر چاههای نفتی است، به علت نشت مواد نفتی از چاهها و یا عدم مراقبت و نگهداری از خطوط لوله انتقال نفت در دریا، محیط‌زیست این دریا را تهدید نموده و با توجه به امکان اجرای طرحهای بزرگ بهره‌برداری نفت از دریای خزر در آینده‌ای نزدیک، اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از آلودگی بیشتر دریا امری فوری و ضروری است. در این زمینه ایجاب می‌نماید کشورهای ساحلی هرچه سریعتر در مورد تدوین یک نظام حقوقی جامع که ناظر و دربرگیرنده مسایل زیست‌محیطی باشد، اقدام نمایند.

این نوشته در پی اثبات این موضوع است که فقدان یک نظام حقوقی حاکم بر محیط زیست دریای خزر، مانع از این نخواهد شد که کشورهای ساحلی این دریا در انجام قواعد آمره بین‌المللی و قواعد عرفی حاکم بر موضوع محیط زیست از خود سستی نشان داده و از آن غافل باشند. یعنی متابعت از قواعد مذکور برای کشورها الزام‌آور بوده و در صورت نقض آن قواعد و ایراد خسارت به منافع سایر کشورها، مسئولیت بین‌المللی به دنبال داشته و این حق برای کشور خسارت دیده برای رجوع به مراجع بین‌المللی و جبران خسارت وارده باقی است.

دریای خزر: مسایل و شرایط زیست‌محیطی

۱. اهمیت دریای خزر

باید یادآور شد که اهمیت این دریا از لحاظ منابع آبزیان، ذخایر انرژی و حمل‌ونقل کالا قابل بررسی و توجه است. این دریاچه تنها دریاچه شیرین جهان است و به همین خاطر انواع ماهیان رودخانه‌ای که از نظر کیفیت غذایی بسیار مرغوب هستند، در این دریاچه پرورش می‌یابند. همچنین بخش مهمی از بهترین خاویار جهان از ماهیان این دریا به دست می‌آید که بازار بسیار پُرونقی دارد و درآمد ارزی چشمگیری نیز نصیب اقتصاد کشور می‌کند.

وجود ذخایر سرشار نفتی و سایر فرآورده‌های معدنی در بستر دریای خزر، یکی از خصوصیات این گستره آبی بسته می‌باشد. مهمترین مسأله‌ای که در حال حاضر مهم جلوه می‌کند، مسأله بهره‌برداری از این ذخایر است. آذربایجان و قزاقستان که خود امکان انجام

برنامه‌های اکتشافی و بهره‌برداری مناسب ندارند، اخیراً به شرکتهای غربی متوسل شده‌اند. فعالیت‌های مذکور این نگرانی را به وجود آورده است که مسأله آلودگی دریای خزر و محدود شدن امکانات زیست‌محیطی این دریا چگونه حل خواهد شد. باید متذکر شد همه این کارها در حالی انجام می‌گیرد که هنوز مشخص نیست حوزه عملیاتی کشورهای ساحلی تا کجا ادامه می‌یابد و شرایط بهره‌برداری از این منابع و مسأله حفظ محیط زیست این دریاچه بر چه مبنایی است. برای مثال در قراردادهایی که میان این کشورها و شرکتهای خارجی بسته می‌شود، حدود فلات قاره و دریای سرزمینی مشخص نیست و معلوم نمی‌شود که منافع دیگر کشورها در این قلمرو تا چه میزان از اقدام و صیانت برخوردار شده است.

یکی از فرصتهای بزرگ که در وضعیت تازه دریای خزر پیش آمده و حداقل سه کشور دیگر ساحلی می‌توانند از مزیت آن استفاده کنند، اتصال دریای خزر به بزرگراه‌هایی است که از طریق ایران به اروپا و یا سواحل جنوبی کشور می‌باشد. مسیر ترانزیتی ایران، قدرت رقابتی بسیار بالاتری در مقایسه با سایر مسیرهایی دارد که کشورهای پیرامون دریای خزر و آسیای مرکزی را با سایر بازارهای بین‌المللی مرتبط می‌سازد.^۱

۲. وضعیت حقوقی و مسأله محیط زیست

از نظر مبانی حقوق بین‌المللی، دریای خزر به‌عنوان یک دریاچه شناخته می‌شود و طبعاً تابع نظامی است که بر دریاچه‌های جهان حاکم است. به نظر می‌رسد که تعاریف مربوط به دریای بسته را باید در مورد دریای خزر پذیرفت. در مفهوم دریای بسته، کشتیرانی و سایر بهره‌برداری‌ها مختص کشورهای ساحلی است و به همین دلیل، کشتیرانی و یا سایر عملیات بین‌المللی، تنها در چارچوب اجماع نظر و حفظ منافع کشورهای ساحلی قابل انجام است. کشورهای ساحلی حتی قادرند با انعقاد قرارآدهای جمعی، رفت‌وآمد کشتی‌های بیگانه را در در این دریاها ممنوع کنند و آن را به صورت خصوصی مورد بهره‌برداری قرار دهند. وجود یک نظام حقوقی حاکم بر این دریا در واقع مشخص می‌کند که سهم کشورهای ساحلی در این دریا



تا کجا با منافع دیگران تضاد پیدا نمی‌کند و به علاوه، این کشورها تا چه حد برای حفظ و نگهداری این دریا مسئولیت مشترک دارند.^۱

۳. توسعه و انتقال منابع هیدروکربن و مشکل آلودگی دریای خزر

امروزه آلودگی دریا، از مسایل مورد بحث می‌باشد که اهمیت و توجه به پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از آن جزو اولویتهای اکوزیست انسان است. مسلماً یکی از مشکلات اصلی در برطرف نمودن آلودگی‌های دریایی تعریف دقیق آن می‌باشد. طبق تعریف سازمان ملل متحد، آلودگی عبارت است از «وارد ساختن مستقیم و یا غیرمستقیم مواد و آلاینده توسط انسان به داخل محیط دریا (شامل مصب رودخانه‌ها) که منجر به بروز اثراتی نامطلوب، مانند صدمه زدن به ذخایر زنده، ایجاد خطر برای سلامتی انسان، صدمه به فعالیت‌های دریایی از قبیل ماهیگیری و کاهش کیفیت آب دریا جهت استفاده، می‌گردد». باید توجه نمود که این تعریف شامل عامل طبیعی نمی‌باشد.

مطابق نظر سازمان ملل متحد، انواع مختلف آلودگی‌ها را می‌توان به شرح ذیل تقسیم‌بندی کلی نمود:

۱. دفع فاضلاب خانگی، صنعتی و مواد زاید کشاورزی.
۲. دفع عمدی و یا ناشی از فعالیت شناورها
۳. اختلال در محیط دریا از طریق اکتشاف و استخراج مواد نفتی و معدنی
۴. دفع مواد زاید رادیو اکتیو ناشی از مصارف صلح‌آمیز انرژی اتمی
۵. استفاده‌های نظامی از دریا

هریک از آلاینده‌های گروه‌های فوق از چند مسیر به دریا ریخته می‌شوند که شامل ورود مستقیم توسط رودخانه‌ها، پسابها، خروجی فاضلابها، دفن مواد زاید در دریا (عمدی یا اتفاقی) و از طریق جو می‌باشد.^۲

۱. «ساحل‌نشینان خزر، چه سهمی از منابع این دریا دارند؟»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، ص. ۷.

2. United Nations. «Environmental Program, the Health of the Oceans», UNEP Regional



نفت یکی از منابع اصلی آلودگی دریاهاست. ورود نفت به دریا می‌تواند از طریق تراوشهای طبیعی نفت و گاز و جریان رودخانه‌ها و یا توسط انسان از طریق فعالیت‌های کشتیرانی و حفاری صورت گیرد. از میان تمامی منابع آلودگی نفتی، حوادث مربوط به نفتکشها و یا انفجار چاههای نفت، از جمله خطرناکترین آنها می‌باشد که در مدت زمان کوتاهی باعث فاجعه می‌شوند.

دریای خزر نیز مانند سایر آبراه‌ها و دریاهای جهان با مشکل روبه‌تزايدی در زمینه آلودگی محیط زیست روبروست. ادامه این آلودگی خسارات جبران‌ناپذیری از لحاظ منابع آبیان و آلودگی مناطق ساحلی کشورها خواهد داشت. در غیاب یک نظام معقول حقوقی، حدود مسئولیت کشورهای ساحلی در حفظ محیط زیست این دریا مشخص نیست و نیازهای اقتصادی و توجه صرف به درآمدهای ملی برخی کشورهای ساحلی موجب شده است که حفاظت از محیط زیست این دریا از نظر دور بماند و بعضی از آنها تنها به بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع بیانداشته‌اند که این امر آثار زیان‌آور جبران‌ناپذیری خواهد داشت.^۱

نکته مهمی که باید به آن اشاره نمود این است که در زمان انعقاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بهره‌برداری از منابع زیر بستر دریا به علت عدم دستیابی به فن‌آوری لازم مطرح نبود. روی این اصل این معاهدات، مقرراتی را در این خصوص پیش‌بینی نکرده‌اند و تنها به تعیین مقرراتی راجع به بهره‌برداری از آبیان دریای خزر اکتفا کرده‌اند. کشف منابع نفتی در مقابل سواحل باکو و شروع بهره‌برداری از آن در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم و شناسایی مخازن جدید در سالهای اخیر در سواحل قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان و یورش کنسرسیومهای بزرگ نفتی به منطقه بعد از فروپاشی شوروی، تعیین نظام حاکم بر عملیات بهره‌برداری از این منابع را در اولویت قرار داده است. اما مهمترین مسأله‌ای که این دریا با آن روبروست فراموشی و عدم توجه کشورهای ساحلی به آلودگی دریای خزر است.

نفتکشها و لوله‌های انتقال نفت و گاز، مهمترین و متداول‌ترین روشهای انتقال منابع هیدروکربن می‌باشند. انجام عملیات با هر دو روش یاد شده با اندکی سهل‌انگاری و نیز

ناآگاهی یا آگاهی نادرست از شرایط واقعی، تهدیدات زیان‌بار زیست‌محیطی و جبران‌ناپذیر به همراه خواهد داشت. توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر محیط آبی، پیش از انجام عملیات لوله‌گذاری در بستر دریا، آگاهی از شرایط فیزیکی و شیمیایی، زمین‌شناسی، اقلیمی و زیست‌محیطی مناطق موردنظر لازم و ضروری است. در دریاچه‌ها، خلیج‌ها و دیگر محیط‌های بسته دریایی، بدون اطلاع درست و جامع از شرایط واقعی اکوسیستم و با اندکی سهل‌انگاری، انتقال نامناسب می‌تواند به اثرات بسیار جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی بیانجامد.^۱ خوردگی لوله‌های انتقال نفت و گاز در بستر دریا، فرسودگی آن و از بین رفتن پوشش‌های حفاظ لوله‌های فلزی در محیط دریایی می‌تواند باعث نشت نفت و گاز در اکوسیستم‌های آبی شود. اثرات زیانبار این آلاینده‌ها که به آلودگی نفتی مشهور هستند، در محیط‌های آبی بسته همچون خزر به مراتب بیشتر از دریاها و آزاد و سواحل اقیانوسها است. برخی نکاتی که باید در خصوص انتقال نفت و گاز دریای خزر در نظر گرفت، عبارت‌اند از: فن‌آوری و تجهیزات برای انتقال نفت و گاز از طریق خط لوله از نقطه نظر مفاهیم جدید زیست‌محیطی؛

- جانداران و گیاهان موجود در مسیر خطوط لوله انتقال نفت؛

- مسایل آلودگی خاک، بستر دریا و جو هوا؛

- خطر زمین‌لرزه در مناطق احداث خطوط نفت و گاز؛

- شرایط کار در خطوط انتقال

- میراث نشت و جاری شدن مواد به محیط زیست به هنگام انتقال نفت

باید گفت که انتقال نفت و گاز منطقه خزر به‌ویژه قزاقستان و ترکمنستان از بستر دریای خزر به آذربایجان و ترکیه و از آنجا به بازارهای بین‌المللی می‌تواند پیامدهای زیانبار و نابهنجار زیست‌محیطی بسیاری برای این گستره آبی و نیز سواحل کشورهای حاشیه آن به همراه داشته باشد. انتقال این منابع ارزشمند از خشکی، آن چنانکه جمهوری اسلامی ایران آماده همکاری و انجام این طرح در سرزمین خود می‌باشد افزون بر از میان بردن همیشگی

۱. نوذر ورزقانی، «انتقال نفت و گاز از بستر و تأثیرات زیان‌بار زیست‌محیطی...» فصلنامه محیط زیست (ویژه‌نامه محیط زیست دریایی)، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۷۷، ص ۴۶.

تهدیدات ناشی از عبور خطوط لوله انتقال منابع نفتی از بستر دریا، می‌تواند عامل پایداری برای درآمدهای شیلاتی و پیشگیری از وقوع فجایع زیست‌محیطی برای این اکوسیستم ارزشمند باشد.

۴. کنوانسیونهای بین‌المللی و مسأله محیط زیست دریای خزر

کنوانسیونهای حقوقی دریاها نظیر کنوانسیون ۱۹۵۸ زنو و کنوانسیون مستوگویی ۱۹۸۲، در حال حاضر معتبرترین سند در این زمینه محسوب می‌شوند.

در فصل نهم و در ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریاها، فقط تعریف از دریای بسته و نیمه بسته ارائه شده است. در ماده بعدی تنها به این نکته اشاره شده است که دول هم‌مرز دریای بسته یا نیمه بسته، باید در اعمال حقوق خود و در اجرای وظایف خود به موجب این کنوانسیون با یکدیگر همکاری کنند و برای این منظور باید از طریق یک سازمان منطقه‌ای ذیربط در موارد زیر کوشا باشند:

- هماهنگی مدیریت، حفاظت، استخراج و بهره‌برداری از منابع زنده دریایی؛
- هماهنگی در اجرای حقوق و تکالیف با در نظر گرفتن حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی؛

- هماهنگی سیاستهای پژوهشی و علمی و در صورت لزوم و مقتضی برنامه‌های مشترک علمی در منطقه؛

- در صورت لزوم دعوت از دیگر دولتهای علاقه‌مند یا سازمانهای بین‌المللی برای همکاری در پیشبرد مفاد این ماده.

بنابراین همان‌طور که از تعریف کنوانسیون معلوم می‌شود، دریای خزر با شرایط جغرافیایی خاص نمی‌تواند از مصادیق دریا - بسته و نیمه‌بسته - به نحوی که در کنوانسیون آمده، باشد.^۱

۱. براساس معیارهای تصریح شده در کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها، بیش از بیست منطقه دریایی را می‌توان به‌عنوان دریای بسته دانست که از جمله می‌توان به دریاهاى بالتیک، برینگ، سیاه، کارائیب شرقی، مدیترانه، احمر، سولومون، چین جنوبی، خلیج عمان و خلیج فارس و موارد دیگر اشاره نمود.



البته ذکر این نکته ضروری است که در متن قانون دریایی ایران، سالها قبل از آنکه کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها منعقد و اجرایی گردد، تعریف خاصی از دریاهاى بسته به دست مى‌دهد. طی تبصره ماده ۲ قانون اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره ایران مورخ ۱۳۳۴ هـ.ش (۱۹۹۵ میلادی)، تصریح شده است که «در مورد بحر خزر مبنای کار طبق اصول حقوق بین‌الملل مربوط به دریاهاى بسته بوده و مى‌باشد» که با تعریف مؤخر کنوانسیون، اختلاف دارد. حتی اگر بخواهیم بنابه توصیه و بر مبنای ماده ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها عمل کنیم، ناگزیر خواهیم بود که در مدیریت، حفاظت، استخراج و بهره‌برداری از منابع زنده دریایی با یکدیگر همکاری کرده و در احقاق حقوق و ادای مسئولیتهای کشورها برای حمایت از محیط زیست دریایی از طریق یک سازمان منطقه‌ای (هویت حقوقی) تلاش کنیم.^۱

دریای خزر، به لحاظ این که وضعیت ویژه‌ای دارد، چه از نظر اهمیت سیاسی و امنیتی و چه از نظر ظرفیت اقتصادی و نقش آن در توسعه اقتصادی کشورها و چه از نظر تاریخی و جغرافیایی و فنی و چه از نظر زیست‌محیطی، مشابهتی با سایر دریاچه‌های مشترک بین دو یا چند کشور ندارد. یعنی دریای خزر یک وضعیت منحصر به فرد دارد. شاید عرف و رویه‌های حقوقی و حتی کنوانسیونهای عام بین‌المللی ناظر بر دریاها، نتوانند کمک زیادی به حل مشکل کنند. بنابراین عمده‌ترین منبع حقوقی که در مذاکرات دیپلماتیک باید مینا قرار گیرد قراردادها و معاهدات موجود است و مادام که توافق جدیدی مغایر با آنها حاصل نشود، به قوت خود باقی خواهند بود، حتی اگر نسبت به شرایط روز، کارآیی نداشته باشند.

اصول اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست

در فرآیند تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و روند تحولات و تکامل قواعد آن، تعدادی از اصول به عنوان اصول بنیادین و اساسی، نقش بسزایی داشته‌اند، تعدادی از این اصول قبلاً در حقوق بین‌الملل وجود داشته‌اند و با مطرح شدن مسایل زیست محیطی

۱. محمدرضا دبیری، «رژیم حقوقی دریای خزر ضامن همکاری و امنیت در منطقه»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۲۲-۲۰.



در این زمینه نیز مورد توجه و استفاده قرار گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به اصل «حسن نیت» و اصل «همجواری» اشاره نمود. تعداد دیگری از این اصول نیز آنهایی هستند که به حقوق بین‌الملل محیط زیست اختصاص دارند و در فرآیند تحول آن ایجاد شده‌اند که اصولی نظیر «مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها»، «تعهد دولتها به اطلاع‌رسانی و همکاری به هنگام حوادث اضطراری زیست‌محیطی»، «مسئولیت و تکلیف دولتها برای اطمینان از اینکه اقدامات آنها به محیط زیست صدمه وارد نخواهد آورد و آلودگی زیست محیط فرامرزی ایجاد نخواهد کرد»، از آن جمله‌اند.

این اصول، در حقیقت بنیادها و پایه‌های کلیه قواعد و مقررات عرفی و قراردادی و قواعد قوانین یافته بین‌المللی در زمینه محیط زیست را تشکیل می‌دهند و در فرآیند تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست نقش محوری و بنیادین داشته‌اند.

۱. حقوق حاکمه دولتها بر منابع طبیعی قلمرو تحت صلاحیت و کنترل خویش

براساس این اصل، دولتها بر منابع قلمرو تحت صلاحیت خود حاکمیت دارند و در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع مذکور براساس برنامه‌ها و سیاستهای زیست‌محیطی خویش آزاداند و هیچ دولت و یا نهاد بین‌المللی حق نقض یا سلب این حاکمیت و آزادی را ندارد. این اصل، حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی موجود در سرزمین، آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه مجاور، فلات قاره و فضای سرزمین و آبهای داخلی و سرزمینی آنها و آزادی آنان در بهره‌برداری از منابع مذکور را به رسمیت می‌شناسد و این مسأله را موضوعی می‌داند که از صلاحیتهای داخلی دولتهاست. ماده ۲ منشور ملل متحد در این باره اعلام می‌دارد که سازمان ملل متحد حق دخالت در موضوعاتی را که تحت صلاحیت داخلی دولتها محسوب می‌شود، ندارد. این موضوع در اصل بیست‌ویکم اعلامیه استکهلم مورد تأکید قرار گرفت و اعلام شد: «دولتها بر طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهره‌برداری از منابعشان مطابق با سیاستهای زیست‌محیطی خود می‌باشند». اصل دوم اعلامیه ریبو نیز دقیقاً به تکرار این اصل پرداخته و توجه به سیاستهای توسعه در بهره‌برداری از منابع



مذکور را نیز یادآور شده است.^۱ مجمع عمومی ملل متحد نیز در تحکیم این اصل قطعنامه‌های متعددی را در این خصوص صادر کرده است.

اصل برخورداری دولتها از حقوق حاکمه بر منابع طبیعی قلمرو تحت صلاحیت و یا کنترل خویش و آزادی آنها در بهره‌برداری از منابع مذکور، ضمن اینکه در چارچوب محدودیتهای موجود در حقوق بین‌المللی و به‌ویژه در زمینه محیط زیست قابل اعمال است، دولتها را مجاز می‌داند تا به هرگونه فعالیتی برای بهره‌برداری از منابع خویش، حتی اگر امکان تخریب محیط زیست خود آن کشور را داشته باشد، مبادرت نمایند.

اما نکته‌ای را که باید به عنوان تذکر مهم مورد توجه قرارداد این است که در مواردی که آلودگی محیط زیست (مانند آلودگی دریایی یا آلودگی در رودخانه‌ای که به کشورهای دیگر می‌ریزد) قابل انتقال به کشورهای دیگر است، یا محیط زیست مناطق خارج از صلاحیت آنها و دولتهای دیگر مانند دریاها، آزاد، لایه اوزون، ... را تخریب می‌نماید، چنین حقی برای کشورها شناخته نشده است.^۲

نتیجه‌ای که با توجه به این اصل می‌توان در مورد کشورهای ساحلی دریای خزر گرفت این است که هنوز هیچ نظام حقوقی حاکم بر بهره‌برداری از منابع زیر بستر و فضای آبی آن تدوین نشده و اصولاً هیچ مرزی به‌عنوان بخشهای ملی کشورهای ساحلی تعیین نشده است و نظام حقوقی فعلی، نظامی است که طبق قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران و شوروی (نظام مشاع) تعیین نشده است. پس با توجه به اینکه از نظر حقوقی هیچ بخشی از دریای خزر متعلق به کشورهای ساحلی نبوده و متابعت از قواعد حقوق بین‌المللی و لزوم احترام به قراردادهای بین‌المللی و اصل حاکمیت دولتها الزام‌آور است، دولتها در بهره‌برداری یکجانبه از بستر دریا، مجاز نیستند.

1. Alexander Kiss, «Introduction to International Environmental Law», (UNITAR, Geneva, 1997), pp.27-73.

2. Philips Sands, «Principles of International Environmental Law, Framework, Standards and Implementation», (Manchester University Press, Manchester and New York, 1994), pp.189-190.



۲. تکلیف دولتها در حفاظت از محیط زیست از طریق اتخاذ تدابیر احتیاطی و پیش‌گیرانه

در بررسی این اصل ابتدا به بررسی تکلیف و تعهد دولتها به حفاظت از محیط‌زیست می‌پردازیم.

اصل تعهد دولتها به حفاظت از محیط زیست دارای دو وجه سلبی و ایجابی است. وجه سلبی آن عبارت از این است که دولتها متعهد هستند که از وارد آوردن خسارت به محیط زیست خودداری نمایند. وجه ایجابی آن نیز عبارت از این است که دولتها موظف به حفاظت از محیط زیست هستند. رعایت این تکلیف علاوه بر اینکه برای دولتها در قلمرو تحت صلاحیت خویش توسط خود آنان و اتباعشان الزامی است، توجه و احترام به آن در مناطق خارج از صلاحیت ملی کشورها و در مناطقی نظیر قطب جنوب و دریاهای آزاد و در ارتباط با محیط زیست کشورهای دیگر نیز لازم است.

مسأله حفاظت از محیط زیست در اکثر اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، البته برخی اسناد در خصوص بعضی از موضوعات خاص، به‌عنوان مثال ماده ۱۹۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها، دولتها را متعهد به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی - نه کل ابعاد محیط زیست - می‌داند که هرچند این تعهد مناطق مختلف دریایی از جمله دریاچه‌های داخلی، دریاهای بسته و دریاهای آزاد را شامل می‌شود، با این وجود دربرگیرنده سایر ابعاد محیط زیست نیست.

معاهدات مربوط به حفاظت از محیط زیست مناطق دریایی در جهان و کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع بیولوژیک نیز دولتها را موظف می‌نمایند که تدابیر لازم را برای اطمینان از حفاظت از منابع بیولوژیک اتخاذ نمایند.^۱

براساس اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل دوم اعلامیه ریو، دولتها ضمن برخورداری از حقوق حاکمه بر منابع طبیعی خویش و آزاد بودن در بهره‌برداری از آنها، تعهد دارند که از انجام هرگونه اقدامی که باعث وارد آمدن خسارت به محیط زیست دیگر کشورها یا محیط

1. Alexander Kiss, *op.cit.*, pp.78-80.



زیست خارج از قلمرو تحت صلاحیت آنها می‌شود، خودداری نمایند. این اصل به عنوان اصل اساسی از سوی همه کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است. چرا که اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل دوم اعلامیه ریو به روشنی بیان‌کننده قواعد عرفی بین‌المللی هستند، این اصل اساسی در حقوق بین‌الملل محیط زیست بر یک اصل عرفی دیگر در حقوق بین‌الملل متکی است که براساس آن هر دولتی موظف است که از دست زدن به اقداماتی که حقوق دول دیگر را نادیده می‌گیرد، خودداری نماید و سرزمین خود را نیز طوری مورد استفاده قرار ندهد که باعث وارد آوردن صدمات به کشورهای دیگر گردد.

این موضوع به خوبی در رأی صادره از دیوان داوری معروف اسملتر آشکار است که اعلام می‌دارد: «به موجب اصول حقوق بین‌الملل هیچ کشوری حق استفاده یا اجازه استفاده از سرزمین خود را به نحوی که باعث وارد آمدن خسارت به سرزمین، اموال یا اتباع کشور دیگر گردد، ندارد». از سوی دیگر رأی صادره از سوی دیوان مذکور نیز بر اصل دیگر از حقوق بین‌المللی یعنی اصل حسن همجواری استوار است. این موضوع در قضیه دیوان داوری دریاچه لنوکس نیز مورد تأکید قرار گرفت و دیوان در رأی خود اعلام داشت که فرانسه هرچند می‌تواند از حقوق خود استفاده نماید ولی نمی‌تواند منافع اسپانیا را نادیده بگیرد. همچنین اسپانیا نیز حق دارد که احترام به حقوق خویش و مدنظر قرار دادن منافعش را درخواست نماید. این اصل در قطعنامه ۲۹۹۶ مجمع عمومی ملل متحد راجع به مسئولیت مشترک دولتها در زمینه محیط زیست و ماده ۳۰ منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها نیز تصریح گردید و اعلام شده است که همه کشورها موظف هستند که از عدم ایجاد خسارت به محیط زیست دیگر کشورها و مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها در اثر فعالیت‌های موجود در قلمرو تحت صلاحیت آنها، اطمینان حاصل نمایند. این موضوع در ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها و کنوانسیون ۱۹۸۵ آسه‌آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۱

پس اصل اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی در حقیقت علاوه بر اینکه دولتها را ملزم می‌نماید که از وارد آوردن خسارت زیست محیطی به کشورهای دیگر پیشگیری نمایند، آنها

1. Philips Sands, *opcit.*, pp.186-194.



را موظف نیز می‌سازد که اقدامات احتیاطی را در بارهٔ فعالیتهایی که بالقوه برای محیط زیست خطرناک هستند، اتخاذ نمایند. اصل ۱۵ اعلامیه ریو نیز اعلام می‌دارد، برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ایجاد صدمات شدید یا غیرقابل جبران، عدم وجود دلایل قطعی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط زیست شود.

براساس اصل دوم، همان‌طور که بحث شد، دولت‌ها مکلف به حفاظت از محیط زیست از طریق اتخاذ تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه هستند. یعنی اینکه دولت‌ها متعهد هستند که اولاً از وارد آوردن خسارت به محیط زیست خودداری نموده و ثانیاً دولت‌ها موظف به حفاظت از محیط زیست هستند. این اصل نیز به کشورهای ساحلی دریای خزر به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل تسری می‌یابد، یعنی این کشورها موظف به اتخاذ تدابیری به هنگام بهره‌برداری از منابع دریای خزر هستند، از طرف دیگر این کشورها باید در بهره‌برداری از منابع دریای خزر حفاظت از محیط زیست دریای خزر را در برنامه‌های توسعه خود در نظر گیرند و این امکان با تعیین نظام حقوقی دریای خزر امکان‌پذیر خواهد بود. این موضوع در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست

این اصل که از اصل تساوی حقوق و اصل انصاف در حقوق بین‌المللی نشأت می‌گیرد، بر این اساس استوار است که اصل انصاف حکم می‌کند که دولتهایی که بیشترین نقش را در آلوده‌سازی و تخریب محیط زیست داشته‌اند و از امکانات و توانایی‌های بیشتری نیز نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردار هستند، باید در حفاظت از محیط زیست نیز نقش مؤثرتری ایفا نمایند و از طرف دیگر در این فرآیند نیازها و شرایط جوامع در حال توسعه نیز نباید نادیده گرفته شود. این اصل در اسناد بین‌المللی متعدد از جمله اعلامیه کنفرانس ریو و کنفرانس ۱۹۹۲ تغییرات آب و هوا آمده است.^۱

1. Philips Sands, *op.cit.*, p.217.



اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت دولتها در حفاظت از محیط زیست دربرگیرنده دو عنصر اساسی است: اول اینکه همه دولتها برای حفاظت از محیط زیست مسئولیت مشترک دارند. دوم اینکه باید در عمل به این وظیفه شرایط و نیازهای کشورهای مختلف و نقش آنها در تخریب محیط زیست و برخورداری آنان از امکانات فنی و مالی مورد توجه واقع شوند. این اصل دو نتیجه دارد: اول اینکه همه دولتها در مواقع آلودگی‌های زیست‌محیطی وظیفه دارند که تدابیر لازم را برای پیشگیری از گسترش آن اتخاذ نمایند و دوم اینکه کشورها به تناسب امکانات خود و نقش آنها در تخریب محیط زیست دارای مسئولیت مشترک متفاوت هستند. به این معنی که کشورهای توسعه‌یافته به علت نقش زیاد آنها در تخریب محیط زیست و برخورداری از امکانات فنی و مالی، باید اقدامات اساسی و بیشتری را در این زمینه اتخاذ نموده و مسئولیت بیشتری را به عهده گیرند. این موضوع در کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن و پروتکل ۱۹۸۷ مونترال نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۱

براساس اصل مذکور هریک از دولتهای ساحلی دریای خزر که بیشترین نقش را در آلوده‌سازی و تخریب محیط زیست دریای خزر داشته باشند باید در حفاظت از محیط زیست اقدامات اساسی و بیشتری را اتخاذ نموده و مسئولیت بیشتری را برعهده گیرند.

۴. اصل تعهد به اطلاع‌رسانی، همکاری و کمک در مواقع اضطراری زیست‌محیطی
تعهد به اطلاع‌رسانی، همکاری، مشورت و کمک در مواقع اضطراری زیست‌محیطی از دیگر اصول اساسی حقوق بین‌المللی در خصوص محیط زیست است. براساس این اصل دولتها موظف هستند که با تبادل اطلاعات و مشورت از وارد آمدن خسارت به محیط زیست دیگر کشورها پیشگیری نمایند و آنان را از وجود خطرات احتمالی در این باره آگاه سازند و در صورت وقوع حوادث زیست‌محیطی برای جلوگیری از گسترش و کاهش آثار آن بر محیط زیست با آنان همکاری و مساعدت کنند. این موضوع در قضیه کانال کورفو مورد استناد قرار گرفت و دیوان عالی اعلام داشت که دولتها موظف هستند که دول دیگر را از وجود خطرات احتمالی در سرزمینشان، مطلع نمایند.^۲

1. Philip Sands, *op.cit.*, pp.218-220.

2. Alexander Kiss, *op.cit.*, p.85.



اصل تعهد به اطلاع‌رسانی در تعداد زیادی از اسناد بین‌الملل نیز آمده است. به عنوان مثال ماده ۱۹۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اعلام می‌دارد، وقتی که دولتی از مواردی آگاه می‌شود که محیط زیست دریایی در معرض خطر قریب‌الوقوع و خسارت دیدن است، یا به سبب آلودگی به آن خسارت وارد شده است، بلافاصله موضوع را به سایر دولی که احتمال می‌دهد چنین خسارتی به آنها لطمه بزند، همچنین به سازمانهای بین‌المللی ذیصلاح اطلاع خواهد داد. این موضوع در قضیه دریاچه لنوکس نیز مورد استناد قرار گرفت و دیوان دآوری به اصل تعهد به اطلاع‌رسانی خطرات احتمالی به عنوان یکی از مصادیق اصل حسن همجواری اشاره نمود.^۱

تعهد به مشورت به هنگام انجام فعالیتهای خطرناک یا حوادث اضطراری هسته‌ای و کمک در این مورد، از مصادیق دیگر تعهد به همکاری در زمینه حفاظت از محیط زیست است. این اصل در حقیقت اقدامات تکمیلی برای همکاری‌های بین‌المللی بوده و در موارد خاص از جمله در زمینه آلودگی‌های دریایی و حوادث هسته‌ای موضوعیت بیشتری دارد. این موضوع پس از حادثه اتمی نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل و در چارچوب کنفرانس ۱۹۸۶ راجع به اطلاع‌رسانی فوری و کمک به هنگام حوادث هسته‌ای یا موارد اضطراری مطرح گردید.

براساس این اصل کشورهای ساحلی دریای خزر به هنگام اجرای طرحهای توسعه منابع نفتی خود در این دریا باید با سایر کشورها به تبادل اطلاعات پرداخته، با آنها مشورت نموده و آنها را از وجود خطرات احتمالی آگاه سازند. نکته دیگری که باید به آن اشاره نمود، تعهد به همکاری در زمینه حفاظت از محیط زیست است که کشورهای ساحلی باید اقدام نمایند، از جمله تعهد به همکاری برای حل اختلافات زیست‌محیطی و حتی همکاری برای پیشگیری از ایجاد اختلافات زیست‌محیطی و همکاری به هنگام حوادث اضطراری زیست‌محیطی.

1. Francesco Francioni, «International Cooperation for Protection and International Law» edited by: W.Lang, H. Neuhold & K.Zemank, (London: Graham & Tortman, 1997), pp.203-235.



۵. اصل مسئولیت پرداخت غرامت از سوی آلوده‌کننده محیط زیست

اصل مسئولیت آلوده‌کننده محیط زیست برای پرداخت هزینه خسارت وارده از دیگر اصول اساسی حقوق بین‌المللی در زمینه محیط زیست است. براساس این اصل هزینه آلودگی بخش یا بُعد خاصی از محیط زیست باید توسط آلوده‌کننده پرداخت شود، تا از این طریق هم حق دیگران برای برخورداری از محیط زیست سالم مورد شناسایی قرار گرفته و متجاوزین به این حق، مسئول شناخته شوند و هم اینکه از این طریق مقداری از هزینه‌های سنگین خسارات زیست‌محیطی از آلوده‌کننده آن دریافت شود. این اصل ابتدا توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مطرح شد و سپس وارد معاهدات بین‌المللی گردید. امروزه اکثر معاهدات زیست‌محیطی اروپایی و تعدادی از معاهدات زیست‌محیطی بین‌المللی این اصل را دربر می‌گیرند. اعلامیه پایانی کنفرانس ریو و دستور کار ۲۱ نیز به آن توجه ویژه‌ای نموده است.^۱

براساس اصل شانزدهم اعلامیه ریو، مقامات ملی در جهت بین‌المللی شدن هزینه‌های حفاظت از محیط زیست و استفاده از ابزار اقتصادی و با توجه به اینکه اصولاً آلوده‌کننده محیط زیست باید هزینه رفع آلودگی را بپردازد، و با توجه به منافع عمومی، باید اصل پرداخت هزینه رفع آلودگی از سوی آلوده‌کننده را مورد توجه قرار دهند. فصل بیستم دستور کار ۲۱ نیز از دولتها می‌خواهد که این اصل را در سیاستهای زیست‌محیطی خود به‌ویژه در باره مسأله زباله‌های خطرناک مورد استفاده قرار دهند. بند دوم ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۲ در خصوص حمایت از محیط زیست دریایی اتلانتیک شمالی اعلام می‌دارد که اعضای معاهده، این اصل را که هزینه اقدامات لازم برای کاهش، کنترل، و پیگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی باید توسط آلوده‌کننده پرداخت گردد، مورد توجه و استناد قرار خواهند داد.^۲

مسئولیت پرداخت غرامت از سوی دولت آلوده‌کننده محیط زیست در رویه قضایی، برای اولین بار در دیوان داورى اسملتر مطرح شد و دیوان مذکور دولت کانادا را به علت آلوده‌سازی محیط زیست مسئول شناخت و اعلام داشت که آن کشور در مقابل خسارات وارده

1. Alexander Kiss & Dinah Shton, «International Environmental Law, Supplement 1994», (New York: Transnational Publishers Inc, 1994), p.36.

2. Alexander Kiss, *op.cit.*, p.83.



به محیط زیست آمریکا، باید غرامت بپردازد. البته باید توجه داشت که این مسئولیت، یک مسئولیت ناشی از خطر و فعالیت‌هایی است که انجام آن در حقوق بین‌المللی منع نشده است و نه مسئولیت ناشی از خطر که در نتیجه نقض یک تعهد الزام‌آور بین‌المللی مطرح می‌گردد. این نوع از مسئولیت امروزه به عرف بین‌المللی تبدیل شده است که برای اولین بار در دیوان داوری قضیه اسملتر مطرح شد.^۱

کشورهای ساحلی دریای خزر باید در توسعه منابع نفتی خود به این اصل توجه نمایند که در صورت ایراد خسارت به محیط زیست دریایی سایر کشورهای ساحلی، مسئولیت داشته و حق درخواست پرداخت خسارت برای سایر کشورها، محفوظ است. تا از این طریق هم حق دیگران برای برخورداری از محیط زیست سالم مورد شناسایی قرار گرفته و متجاوزین به این حق مسئول شناخته شوند و هم اینکه از این طریق مقداری از هزینه‌های سنگین خسارات زیست‌محیطی از آلوده‌کننده آن دریافت شود.

مسئولیت بین‌المللی دولتها و مسأله محیط زیست

مسئولیت بین‌المللی وقتی رخ می‌دهد که یک دولت تعهد خود را در مقابل دولت دیگر نقض می‌کند. هر عمل غیرقانونی بین‌المللی توسط یک دولت، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. خواه دولت قدیم باشد خواه دولت جدیدالتأسیس. تعهد ممکن است از یک «معاهده» یا «حقوق عرفی» سرچشمه گرفته یا ناشی از عدم اجرای یک تصمیم‌الزام‌آور حقوقی باشد. همچنین ممکن است مسئولیت در اثر بد رفتاری با اتباع خارجی یا عدم اجرای یک تصمیم الزام‌آور در یک سازمان ذیصلاح مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد پدید آید. منشاء تعهد بین‌المللی فرقی از حیث مسئولیت بین‌المللی دولت نمی‌کند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که میزان مسئولیت حقوقی دولتها در قبال آن دسته از

1. Karl Zemark, «State Responsibility and liability in the Environmental Protection and International Law», edited by: W. Lang & H. Neuhold, (London: Graham & Tortman, 1991), pp.187-201.



فعالیت‌های آنها که به محیط زیست آسیب وارد می‌سازد، چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است تصور درستی از مسئولیت بین‌المللی داشته باشیم.

۱. تعریف مسئولیت بین‌المللی

از نظر کمیسیون حقوق بین‌المللی «هر عمل نادرست بین‌المللی یک دولت مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به دنبال دارد. کمیسیون بر این نظر است عمل بین‌المللی هنگامی نادرست تلقی می‌شود که موجب نقض یک تعهد بین‌المللی شده و به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت باشد.^۱ بدین ترتیب، عناصر تشکیل‌دهنده این تعریف عبارت‌اند از: عمل نادرست و قابل انتساب بودن عمل نادرست به دولت.

۲. تعریف مسئولیت بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل محیط زیست

در صورت تعمیم تعریف مسئولیت بین‌المللی به حقوق بین‌الملل محیط زیست شرح مختصری لازم به نظر می‌رسد:

اول، تخریب محیط زیست در داخل مرزهای یک کشور در صورتی که اثرات ماورای مرزی نداشته باشد، هیچ‌گونه مسئولیتی را برای آن کشور به وجود نخواهد آورد.

دوم، در حقوق بین‌المللی محیط زیست تنها خطا در مسئولیت بین‌المللی عنصر تعیین‌کننده محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، ارتکاب اعمال مجزا، ولی خطرناک نیز موجبات مسئولیت بین‌المللی دولتها را فراهم می‌سازد. (مسئولیت مبتنی بر خطر)

پس می‌توان نتیجه گرفت که خسارت چه ناشی از وقوع یک حادثه (چرنوبیل) بوده و یا نتیجه عملیات عادی یک کارخانه باشد (کارخانه ذوب فلز ترابیل، کانادا، ۱۹۴۱) و چه در نتیجه نقض تعهد پدید آید، مسئولیت طرف واردکننده خسارت غیرقابل انکار است.^۲ به عبارت دیگر دولتها صرف‌نظر از علت وجودی خسارت وارده بر محیط زیست سایر کشورها

1. «Draft Articles on State Responsibility adopted by International Law Commission on First Reading», Published in YILC 1980, Vol.II, (Part 2), pp.30-34.

2. Maryan Green, «International Law», (London: Pitman Publishing, 1982), p.242.



(خطا یا خطر) در قبال خسارت وارده مسئولیت مدنی دارند.

پس همان‌طور که از تعریف مذکور یافت می‌شود، اگر کشورهای ساحلی دریای خزر در جریان عادی توسعه منابع زیر بستر دریای خزر دچار نقض قواعد اساسی بین‌المللی مربوط به محیط زیست شوند، مسئولیت طرف واردکننده خسارت غیرقابل انکار است. یعنی این دولتها صرف‌نظر از نوع و علت وجود خسارت وارده، در قبال آن مسئولیت مدنی دارند.

۳. تعهد همکاری

علاوه بر مسئولیت مدنی کشور آلوده‌کننده محیط زیست، نوعی تعهد بین‌المللی را در عرف بین‌المللی و متون کنوانسیونهای مختلف زیست محیطی می‌توان یافت. این تعهد، دولتها را موظف به همکاری با یکدیگر در حفظ محیط زیست و جلوگیری از گسترش آلودگی احتمالی می‌سازد. فلسفه وجودی ضرورت همکاری بین‌المللی، تهدید همه ساکنان کره زمین بر اثر تخریب طبیعت است. از سوی دیگر، مقابله با مشکلات محیط زیست خارج از توان یک یا چند کشور بوده، نیازمند همکاری بین‌المللی برای مراقبت، جلوگیری، کاهش و رفع تأثیرات مخرب ناشی از آلودگی محیط زیست است.

تعهد همکاری در جهت حفظ محیط زیست و کاهش تخریب وارد بر آن چند جنبه دارد، وظیفه مطلع ساختن سریع دیگران از وقوع حادثه، وظیفه ارائه اطلاعات به دولتهایی که احتمالاً در معرض خطر هستند، وظیفه تهیه طرحهای احتمالی برای جلوگیری از گسترش تبعات حادثه، وظیفه همکاری در کاهش خسارت از طریق تأمین کمکهای اضطراری و بالاخره تعهد تأمین منابع مالی و فنی جهت همکاری‌های بین‌المللی.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا تعهد همکاری اساساً پایه حقوقی دارد؟ پاسخ به این سؤال مثبت است. با نگاهی اجمالی به اغلب کنوانسیونها و معاهدات بین‌المللی محیط زیست می‌توان تعهدات مذکور را یافت. بنابراین تا آنجا که به این معاهدات بین‌المللی مربوط می‌شود، تعهد همکاری، تعهدی است که طرفهای متعاقد پذیرفته‌اند و کلیه دول وظیفه دارند با حسن نیت به آن عمل نمایند.



نتیجه‌گیری (راهکارها)

دریای خزر نیز همانند سایر آبراهها و دریا‌های جهان با مشکل روبه‌تزیادی در زمینه آلودگی محیط زیست روبروست. ادامه این آلودگی، خسارات جبران‌ناپذیری از لحاظ منابع آبیان و آلودگی مناطق ساحلی کشورها دربر خواهد داشت. در غیاب یک نظام حقوقی معقول، حدود مسئولیت کشورهای ساحلی در حفظ محیط زیست این دریا مشخص نیست و نیازهای اقتصادی و توجه صرف به درآمدهای ملی برخی کشورهای ساحلی موجب شده است که حفاظت از محیط زیست این دریا از نظر دور بماند و بعضی از آنها تنها به بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع و در حداقل زمان ممکن بیاندیشند که این امر آثار زیانبار جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. آثار ناشی از توسعه منابع هیدروکربن این دریا و احداث خطوط لوله علاوه بر تهدید آبیان دریای خزر و به‌ویژه خاویار، بر محیط زیست کناره‌کشورهای ساحلی این دریا نیز تأثیر خواهد گذاشت.

همان‌طور که در مبحث اصول اساسی حقوق بین‌المللی محیط زیست اشاره شد، دولت‌ها در درجه اول برای اطمینان از اینکه اقدامات آنها به محیط زیست صدمه وارد نخواهد آورد و آلودگی زیست‌محیطی فرامرزی ایجاد نخواهد کرد، تکلیف و در درجه دوم مسئولیت خواهند داشت. اصل تعهد به اطلاع‌رسانی و همکاری و کمک در مواقع اضطراری زیست‌محیطی یکی دیگر از اصول مشترک دولت‌هاست.

مهمترین مسئله‌ای که در خصوص مسئولیت بین‌المللی زیست‌محیطی دولت‌ها مطرح می‌شود، اصل مسئولیت پرداخت غرامت از سوی دولت آلوده‌کننده محیط زیست است که امروزه اکثر معاهدات زیست‌محیطی بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اعلامیه پایان کنفرانس ریو و دستور کار ۲۱ و معاهده محیط زیست اروپایی به آن توجه ویژه‌ای دارند.

با توجه به مطالب بیان شده، با توجه به فقدان یک نظام حقوقی واحد حاکم بر مسئله محیط زیست دریای خزر، کشورهای ساحلی باید به معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی و قواعد عرفی حاکم بر این موضوع احترام گذاشته و برای حل مشکلات آلودگی دریای خزر گام‌های جدی و اساسی بردارند. در غیر این صورت در صورت آلودگی دریای خزر، با توجه به اینکه هنوز هیچ نظامی بر مسئله حقوقی بهره‌برداری از منابع بستر و بالای بستر آن حاکم نیست، این حق برای کشورهایی که به گونه‌ای نگران مسئله محیط زیست دریای خزر هستند،



جهت رجوع به مراجع بین‌المللی و درخواست پرداخت غرامت، محفوظ خواهد ماند. احساس نگرانی در حفاظت از محیط زیست دریای خزر در برابر آلودگی‌های مختلف، به‌ویژه آلودگی ناشی از فعالیتهای نفتی کشورهای ساحلی خزر همزمان با توسعه برنامه‌های اکتشاف، استخراج و تردد نفتکشها، اتخاذ اقداماتی جهت تسریع در برنامه‌ریزی و تدوین نظام حقوقی حاکم بر مسأله محیط زیست این دریا را ضروری می‌نماید.

در این خصوص اقدامات زیر در سطح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی پیشنهاد می‌شود:

۱. ایجاد قوانین، معیارهای ملی جهت حمایت از محیط زیست در کشورهای ساحلی خصوصاً در مورد آلودگی نفتی دریای خزر؛

۲. توافقات دوجانبه یا چندجانبه در خصوص استانداردها و قواعد قانونگذاری در

مورد حمایت از آلودگی دریای خزر؛

۳. انتقال اطلاعات به موقع در خصوص حوادث نشت و جاری شدن مواد نفتی؛

۴. توافق جهت اعمال اقدامات خاص دوجانبه و چندجانبه برای مقابله با آلودگی

نفتی از طرف کشورهای ساحلی؛

۵. توافق و انتقال اطلاعات در خصوص طرح‌های در حال انجام در دریای خزر از نظر

آثار زیست محیطی؛

۶. امضای پروتکل مربوط به همکاری منطقه‌ای در خصوص مقابله با آلودگی‌های

نفتی و سایر مواد زیان‌آور در مواقع اضطراری؛

۷. امضای پروتکل حفاظت از محیط زیست دریایی در مقابل آلودگی‌های ناشی از

اکتشاف و استخراج نفت از زیر بستر دریا؛

۸. دعوت از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی، UNDP, UNEP, GEF و

اتحادیه اروپا برای مشارکت در هزینه‌های حفاظت از محیط زیست دریای خزر و تهیه

کنوانسیون منطقه‌ای حفاظت از آلودگی این دریا؛

۹. ایجاد یک صندوق مالی به منظور مبارزه با تخریب محیط زیست در چارچوب

سازمان همکاری دریای خزر و جلب کمک از سازمانهای دولتی و غیردولتی منطقه‌ای و

بین‌المللی.



منابع

فارسی

۱. بوداغ اف، بوداغ. «خزر، دریاچه یا دریا»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۴۶-۴۷.
۲. خوداکف، الکساندر. «چارچوب حقوقی همکاری‌های منطقه‌ای در دریای خزر»، ترجمه مهرداد محسنین، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۳۹-۳۶.
۳. دبیری، محمدرضا. «رژیم حقوقی دریای خزر ضامن همکاری و امنیت در منطقه»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۲۲-۲۰.
۴. دبیری، محمدرضا. «رژیم حقوقی دریای خزر مبنایی برای صلح و توسعه»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۳۱-۲۷.
۵. «ساحل‌نشینان خزر چه سهمی از منابع این دریا دارند؟»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۱۳-۵.
۶. سالیکیف، کاکیم‌بیگ، «طرح قزاقستان در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۴۴-۴۳.
۷. شهبازیان، بدرالزمان. «تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۴۲-۴۰.
۸. گلسترخی، ایرج. «قوم خزر و تاریخچه دریای خزر»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۱۹-۱۴.
۹. ممتاز، جمشید. «وضعیت حقوقی دریای خزر»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۳۵-۳۲.
۱۰. میرمحمد صادقی، محسن. «بررسی رژیم حقوقی دریای خزر از لحاظ حقوق بین‌الملل»، ماهنامه پیام دریا، شماره ۵۳، سال پنجم، بهمن ۱۳۷۵، صص ۲۶-۲۳.
۱۱. ورزقانی، نوذر. «انتقال نفت و گاز از بستر دریا و تأثیرات زیانبار زیست محیطی از...»، فصلنامه محیط زیست (ویژه‌نامه محیط زیست دریایی)، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۷۷، صص ۵۰-۴۶.



1. United Nations. «Environmental Program, the Health of the Oceans», UNEP Regional Seas Report and Studies, No.16, 1982.
2. Kiss, Alexander. «Introduction to International Environmental Law», (UNITAR, Geneva, 1997).
3. Sands, Philips. «Principles of International Law, Framework, Standards and Implementation», (Manchester University Press, Manchester and New York, 1994).
4. Francioni, Francesco. «International Cooperation for Protection and International Law», edited by: W.Lang & K.Zemark, (London: Graham & Tortman, 1997).
5. Kiss, Alexander & Dinah Sholton». International Environmental Law, Supliment 1994», (New York, Transnational Publishers Inc, 1994).
6. Zemark, Karl, «State Responsibility in the Environmental and Liability in the Environmental Protection and International Law», edited by: W.lang & H.Neuhold, (London: Graham & Tortman, 1991).
7. «Draft Articles on State Responsibility adopted by International Law Commission on First Reading», Published in YILC 1980, Vol.II, (Part 2).
8. Green, Maryan. «International Law», (London: Pitman Publishing, 1982).